

قیامه استاد - از حیث قامت دارای درجه متوسط بود پیشانی گشاده و ابروان اجرد کوتاه و لبان باریک پریده رنگ سیلتان آویخته و محاسن کوتاهی داشت طرز لباسش جامم بین جدید و قدیم عمامه در نهایت کوچکی بر سر میگذاشت و موی سرش اندکی بلند اما صاحبین اخلاقی نه پاندمرجه بود که بتوان عسری از اعشار آنرا فنکاست من در همه قولها فصیح در وصف شطیل وی اُخرس اکتون بدین مقدار مکه می گفته و قبه آنرا استاد را در طی ترجمه صفای اصفهانی اشاره خواهم نمود

اعتقاد غزلها و اشعاریکه در ضمن اینجملات ناقص دیده میشود از آنستکه من بنده در این ضمن ایراد نمودم همانا از مستحویات قوه حافظه بوده و نسخه تمامش را اکنون دسترسی ندارم لرباب دانش مذکور خواهند داشت والسلام علی من اتبع الهدی

ملایر - ۲۹ دیماه ۱۳۰۵ عبدالحمید - اشراق خاوری

عادات و رسوم

آداب مذهبی هر قومی مربوط به عادات و رسوم آن نیست هر روز ایام و تکرور دهور آداب مذهبی را عادت و رسم میکنند ما ایرانیهای مسلمان از نیاکان پارسى خود چیزهایی داریم که سابق براین دآب مذهبی بوده و اکنون از عادات و رسوم بشمار میرود اغلب منشأ و ریشه خرافات و موهومات از همین جا شروع شده و بجرکات قبیحه و افعال مذمومه ختم میگردد

خلط و مزج آلابش و پیرایشی اورا مسموخ و نتیجه منظوریه واضح آنرا معکوس میکند باین جهت بنده ز تحقیق ماخذ آن معتور است چه که نتیجه ای جز قویت خرافات و موهومات و مسموخ ساختن اذهان مردمان ساده لوح نخواهد داشت

پاره‌ای از عدالت و رسوم در ادیان سالفه هیچ سابقه ندارد ،
 بخلاف قسمت دیگر که متکی بیک اصل و سوابقی هستید
 ایرانیهای مسلم مذهب اولیشان زردشتی و آتش را محترم داشته
 اکنون هم اگر در بعضی از ولایات ایران مسافرت کرده . از دهکده‌ها
 بگذریم خواهیم دید اول شب که چراغ روشن میکنند بلافاصله بجراغ
 میگویند سلام علیکم

دیگه شده که جماعت دیگر میگویند السلام علیک یا شاه چراغ
 یا در شب زمانیکه بخانه داخل شوند و کسی نبوده فقط چراغ
 روشن باشد باز سلام میکنند

احیاناً اگر بهیچ‌تر ایشان بگوئی این عادت زردشتیانست چرا
 بجراغ سلام میکنی : در جواب میگوید بشاه چراغ برادر حضرت امام
 رضا (ع) که در شیراز مدفونست سلام میکنم

اگر بگوئی پس چرا صبح و ظهر و عصر یا وقتیکه شب بخانه
 تاریک وارد میشوی بشاه چراغ سلام نمیکنی : دیگر جواب بفرسکوت
 چیزی ندارد که بگوید هنگام قسم خوردن هم اشاره بجراغ کرده
 میگویند (باین سوء سلمان قسم ایت)

اشخاص صاحب باطن و با نفس که در میان آنها یافت میشود
 اجاق خواننده نزد او میروند دعا میگیرند تا گره از کارهایشان
 باز گردد

روی آتش اسفند ریخته و دعا و اوراد میخوانند بعد از آن دود
 آنرا با دست گرفته بروی خود میمالند و میگویند سحر و جادو را باطل
 وبر طرف کردیم : شبهای چهارشنبه آخر سال در خانه‌ها و معابر آتش
 افروخته از روی آن جستن کرده میگویند : تا سال آینده همین‌روز
 ما را سلامت بدار :

شب آتش و چراغ را با نفس و دم خاموش نمیسازند بلکه
 فقیله آنرا بحدی پائین میکشند که خود او خاموش میشود .

اگر زیاد خاموش کردن آتش محتاج بشوند یعنی ترس آتش گرفتن جائی را داشته : برای دفع ضرر متحمل که عقلا واجب است آتش را خاموش میکنند آنها با هزاران بسم الله و سلام و دعا : شب چهارشنبه در هر هفته که باشد روی نخست خامی را چند گودال کوچک کنده قدری آتش روی آن ریخته و یک دانه پیاز و مقداری نمک بایک شاهی پول سیاه هم روی آن میگذارند و قدری هم اسفند روی همان آتش میریزند و این کلمات را از ابتدای عمل تا خارج کردن از منزل و گذاردن سر گذر . میخوانند

اسفند : اسفند دانه

اسفند : صدوسی دانه

بترکد چشم حسودو بخیل و بیگانه

پیاز تندو نمک شور

چشم حسودو حسود کور

الحاصل : هنوز بداز هزار و سیصد سال این قدر باتش اهمیت چاده و محترهش میدارند. دیگر حال صدر اسلام که خود معلوم بوده است از اینرو مییاشد که معصوم فرموده است لا اسراف فی السراج دیگر از آداب مذهبیه قدیم ایران یعنی قبل از اسلام احترام شمس و ستارگان بوده که آثار او هنوز در ایران باقی است هنگام غروب آفتاب با احترام شمس طبل و نقاره میزدند

اکنون هم میان ما معمول است مخصوصاً در طهران که فقط وقت غروب آفتاب نقاره میزنند

ولی در مشهد مقدس حضرت رضا (ع) دو وقت در ظرف یک روز نقاره میزنند یک بار از بیست دقیقه بطلوع آفتاب شروع بزدن نقاره کرده عند الطلوع تمام میکنند مرتبه دوم در وقت عصر است که از بیست و پنج دقیقه بغروب آفتاب مانده شروع بزدن نقاره میشود تا غروب آفتاب : همینکه خورشید بکلی غایب شد نقاره را ختم میکنند

در اعیان روزنه چهار مرقه دوپلر قبل از ظهر و دو مرقه هم
 بعد از ظهر نظریه مرقه در ایام جزا و سوگواری یکی تقاره نمی‌زنند
 وقت خسوف و کسوف هم اذان گفته و پشت بین طویل می‌زنند
 مخصوصاً میگویند مس باید از ملک میراند بوده باشد

حضرات بودند در قدیم الایام هنگام رویت جلال یوق میزدند
 در یکی از سالهای خود در سرحد عثمانی به دیری رسیدیم
 که سابق بر این معبد هور بوده (هور طفت فرس قدیم یعنی شمس
 آمده و معنی معبد هور پرستشگاه شمس است)

بالای سردر آن شکی شبیری که آن بانسان شبیه بود از سنگ
 تراشیده شده بود معلوم میشود ماخذ شیرو خورشید علامت عالیه دولت
 علیه ایران از این جا است

معبد هور

بعد از آمدن (سنبار طلیمیوس) که از حواریون حضرت عیسی [ع]
 بود تبدیل بکلیسیا گردیده هنوز هم کلیسا میباشد
 دختر سلطان آن عصر که اول من آمن به (سنبار طلیمیوس)
 بود بجزم رخ تافتن از عبادت خورشید بدست هموطنان خود مقتول گردید
 حال قبرش در همان کلیسا پهلوئی سنبار طلیمیوس است
 بعد کم کم مردم قبول تثلیث و مسیحیت را نمودند دین مسیح
 در آنجا نفوذ غربی پیدا کرد که معبد هور کلیسا شده مورد احترام
 واقع گردید

علی ای حال : مقصود نگارنده این سطور ابانه عادات و رسوم
 و اختلاط و اشتیاق آن با آداب مذهبه بود تا مشخص بی وقوف و اطلاع
 از رسوم و رویه دین و اخلاق هر طائفه و قومی عجمی المعباء آنها را
 مختصه نکنند

مثلاً شب چهارشنبه آخر سال از زهر توب بر اویند گیندین

مستند بهیچ قاعده و بهیچ دین و مذهب و عادت قومی نیست بلکه از مستحکقات عصر حاضر است باشد که بعدها چه بگویند و چه بشود
 عجاله : این مقاله را بهمین جا ختم کرده و برای آتیه مقاله
 (نکاح انارد) و تحقیق بروز و ظهور آنرا خواهیم نگاشت که آن مقاله
 فی الواقع و نفس الامر مکمل و متمم این سطور خواهد بود
 والسلام علی من اتبع الهدی

عبد الرزاق مهندس بغایری

مقاله فوق اثر قلم شیوای آقای میرزا عبد الرزاق خان مهندس
 است که (گوهر ذات وی از مدحت ما مستغنی است) و آثار علمیه
 و عملیات هندسی وی اظهر من الشمس است امید داریم که همواره
 صفحات مجله ارمان باثار علمیه و ادبیه گرانبهای ایشان موشح و مزین
 گشته پیش از بیش موجبات خرسندی و استفاده قارئین عظام فراهم گردد
 و حید

بختیار نامه داستان دویم

حکایت بازار گمان بر تافته بخت

روز دیگر وزیر دویم نزد شاه آمده زبان مبالغه و الحاح گشود
 که چرا این دزدبچه را در زندان نگه داشته‌ای . باید تبعیغ شاه در قتل
 او قادر گردد که عبرت دیگران شود شاه فرمود بختیار را آوردند
 پس جلاد را طلب کرد و بختیار را گفت فرموده‌ام تا بیخ درخت عمرت
 را از زمین حیات برکنند که بر مفسدان عالم عبرت شود : بختیار گفت
 زندگانی پادشاه دراز باد . اگر چه من در این مقام که ایستاده‌ام وقت
 وداع جان . و فراق جهان است

اما صاحب شریعت چنین فرموده است که هر که در این وقت
 پوئی‌های خود را معلوم ننماید بخون خود سعی کرده باشد . خدا میداند